

- عنوان پنجم: تشبه رجال به نساء و نساء به رجال ۲
- تشبه به جنس مخالف یعنی چه؟ ۳
- ثمره بحث: ۴
- ملاک تغییر و تبدل: ۴
- جمع بندی بحث: ۵
- بحث تشبه: ۵
- انواع تشبه: ۵
- نوع اول: تشبه تکوینی ۵
- نوع دوم: آرایش چهره و صورت ۶
- نوع سوم: تشبه در زیور آلات ۶
- نوع چهارم: تشبه در لباس ۶
- نوع پنجم: تشبه در غیر لباس ۶
- نوع ششم: تشبه جنسی ۶
- نوع هفتم: تشبه در لحن کلام ۶

عنوان پنجم: تشبه رجال به نساء و نساء به رجال

در اینجا اولاً چند نکته مقدماتی ذکر کردیم، یکی گفتیم این مسأله هم به لحاظ روایی، هم به لحاظ فتوایی سابقه دیرین دارد. و طرحش در کتب فقها به دلیل این است که روایاتی در این باب وارد شده است. بعد عرض کردیم بین تشبه و تزیین عموم و خصوص من وجه است. و هر جا که بین عنوانی و عنوان دیگری در محرمات، واجبات و تکالیف من وجه باشد، طبعاً استقلال پیدا می کند. اما اگر تشبه فقط تزیینی بود، آنوقت یکی از مصادیق تزیین می شد. اما چون تشبه گاهی تزیینی است و گاهی تزیین نیست. و لذا به این دلیل و به دلیل اینکه در خصوص این عنوان تشبه دلیل وارد شده است. باید عنوان تشبه را مستقل مطرح بکنیم. هم به خاطر اینکه بین التشبه و التزیین عموم و خصوص من وجه است. و هم به خاطر طرح همین عنوان و همین مفهوم در روایات بایستی به طور مستقل مورد توجه قرار بگیرد. اما چون ارتباط با تزیینش زیاد است. طبعاً متصل به بحث تزیین بحث شده است. حتی اگر به لحاظ ترتیبی هم کسی این را ذیل بحث تزیین قرار بدهد، چون روایات خاصه دارد این را مستقل بحث می کند. نکته سوم هم این بود که تشبه در لباس و یا اقسام دیگری که عرض خواهیم کرد. این مفهوم عرفی است. که مفهوم آن ثابت است و از خود لغت و عرف و اینها این مفهوم گرفته می شود. که مفهومش معلوم است بعد بیشتر توضیح خواهیم داد. اما مصادیقش متغیر است. این تبدلی که وجود دارد در مصادیق وجود دارد، موجب می شود چیزی در یک زمانی یا مکانی یا عرفی تشبه به حساب بیاید و در زمان دیگر تشبه به حساب نیاید. به خاطر اینکه عرف لباس و چهره و آرایش و اینها این عرف به حسب زمانها و مکانها و اقوام و قبائل و عشایر و اینها تفاوت پیدا می کند. و لذا در یک زمانی چون این لباس خاص زن است اگر مرد این را بپوشد تشبه می شود. ولی در زمان یا مکان دیگر این تشبه نیست. نکته چهارم هم این بود که در همه این مواردی که یک امر تکلیفی، تحریمی و محرماتی که از این قبیل است، یعنی مصادقش وابسته به آن حالت عرفی و تداول و رواج عرفی است.

در این نوع موارد هنجار شکنان اولیه مرتکب حرام می شوند. چون هنجاری را شکسته اند، متشبه به کفار و متشبه به جنس مخالف شده است. این هنجار شکنی اول حرام است. مادامی که عرف رایج نشده، این هنجار شکنی حرام است. اما وقتی که با همین هنجار شکنی ها عرف عوض شده که این نوع مواردی که تابع چیز عرفی است. هنجار شکنی که عوض شد یعنی عرف شد. آنوقت کارهای بعدی حرام نیست. همه این بحثهای ما آنجایی است که حرمت آمده روی عنوانی که تحول پذیر است. همه عناوین تحول پذیر نیست. وقتی می گوید نماز واجب است و حد و حدودش را مشخص کرده این عوض شدنی نیست. یا گفته زنا حرام است و حد و حدودش را مشخص کرده این تغییر پذیر نیست. ولی یک جایی می گوید که شما از سهم امام و سادات می توانید به اندازه شأن عرفی خودتان بردارید. این شأن تحول پذیر است. به تحول زمان و عرف و موقعیت شخص و اینها یا اینکه تشبه به دیگری آنچه که خواست دیگری است عوض می شود. یک وقتی خواست او است یک وقتی نیست. و لذا این بحثی که ما مطرح کردیم در مواردی که حرمت و حکم آمده روی عنوانی که در ذات خودش تابع تشخیص عرف است. در اینجا است که باید این بحث مطرح بشود.

تشبه به جنس مخالف یعنی چه؟

در اینجا اولاً باید به این توجه داشته باشیم که تشبه، حفظ هویت شخص است با ملاحظه و اضافه اینکه در جهتی همانندی با دیگری پیدا کرده و تشبه غیر از تغییر جنسیت است. تغییر جنسیت تشبه نیست. چون تشبه این است که هویت خودش را حفظ کرده یک چیزی را از اصل خودش دارد. در یک جهتی مانند دیگری شده است. تشبیه هم اینطور است. کالاسد که می گوئیم بالاخره آن رجل است و رجلیت و هویت خودش را دارد. ولی یک جهتی که مثلاً شجاعت دارد می گوئیم مثل اسد است. و لذا اگر یک جایی چیزی آمد به طور کلی از اساس و ذات و هویت خودش تغییر پیدا کرد و چیز دیگری شد این تشبه نیست. این تبدل و تطور است. و لذا دو مفهوم اینجا داریم. یکی تطور و تبدل و تغیر و تغییر داریم که اینجا ذاتش با همان نگاه عرفی یا فلسفی جهت تناسب خودش عوض می شود. و یک تشبه داریم. و در تشبه تمام ذات تبدل پیدا نکرده بلکه ذات محفوظ است، در یک جهتی وجه شبهی با طرف دیگر پیدا کرده است. وجه شبه همیشه در جایی است که یک اصل خاص خودش باقی مانده، در یک جهتی به دیگری شباهت پیدا کرده است. ولی چیزی از اصل خودش باقی مانده است. منتهی دامنه این تشبه گاهی کم است و گاهی زیاد است. بنابراین مفهوم تبدل و تطور و تغیر با مفهوم تشبه و یا تنظر و نظیر دیگری شدن و تناظر و اینها متفاوت است. تبدل و تحول و تغیر و اینها ذات عوض می شود. ولو اینکه یک چیز مشترکی هم باقی باشد، ولی ذات عوض شد، این چیز دیگری شده است. اما در تشبه آن ذات محفوظ است. منتهی در یک جهتی مشابهت و مماثلتی با آن چیز دیگر پیدا می کند و امثال اینها این دو مقوله از هم جداست. این نکته را اگر

شما بپذیرید، آنوقت داستان تغییر جنسیت زن به مرد، یا مرد به زن یا تغییر جنسیت خنثی به سمت زن یا به سمت مرد آن معلوم است که از شمول این روایات خارج است. این تشبه ربطی با تغییر جنسیت که می رود تصرفی در اعضای او می کند. و در هورمونهای او می کند. با آن ربطی ندارد. و این روایات از آنها منصرف است و ارتباطی با آن ندارد. اینکه گفتم عرفی است برای اینکه ممکن است بگوییم همه چیزش آنطور نشد. ولی در مجموع عرف می گوید این شد یک چیز دیگری، عرف می گوید این دیگر زن نیست. مرد شد یا مرد زن شد.

ثمره بحث:

ثمره این دقت اینجا ظاهر می شود که گاهی هست که این تغییر و تحولات به صورت ژنتیکی و پزشکی انجام می شود. ولی به حدی نمی رسد که بگویند این زن مرد شد. ولی ویژگیهای مرد به او داده شد. این آنوقت ممکن است در تشبه وارد شود. که اولش حرف واضح است، ولی آدم دقیق بشود، آنوقت این نکته در آن در می آید. ببینید این تبدلات است. تا اینجا ما تغییر الجنسیه از تشبه نساء به رجال و رجال به نساء این مرز را بینشان گذاشتیم. ولی نتقدم الی الامام ختو آخری وقتی یک قدم جلو بیایم. و در تبدل جنسیت دقیق بشویم، دو نوع است. یک وقتی است که عرف می گوید با این کار پزشکی که انجام شد همان قسم اول که گفتیم تشبه نیست. ولی در مفهومی که عرض کردیم دقت ثانوی بکنیم در مفهومی که عرض کردیم اینطور است. گاهی است که این تغییر و تبدلی که با مهندسی ژنتیک انجام شد که هنوز این را کمتر به کار برده اند. مهندسی ژنتیک دنیایی است که کمتر در انسان به کار رفته است. بیشتر الان از طریق همان جراحیهای عضوی و هورمونی و اینها اقدام می شود. ولی یک قام بالاتر مهندسی ژنتیکی است که دنیای آینده هم روی این تأکید دارد. خوب آمد با تزریقات هورمونی یا جراحیهای عضوی یا پیشرفت ترش با مهندسیهای ژنتیک تغییر جنسیت بخواهد بدهد. این دو نوع است. یک قسمش این است که این خنثی مرد شد یا زن شد. یا مرد زن شد. ولی گاهی به همان شکل است اما در عین حال می گوید این مرد است منتهی مردی است که موی او بلند می شود. ولی هنوز هم نمی گوید این زن است. مثلاً در آلات رجولیت و بحثهای جنسی چیزی نشده. ولی با یک هورمون یا تغییر جنسیتی موهای زنانه پیدا می کند. این نوع موارد داخل در تشبه می شود.

ملاک تغییر و تبدل:

این است که عرفاً بگوید مقومات مردانگی را از دست داد و زنانگی شد. یعنی کلیت این مقومات عوض شد. این خارج از بحث ما می شود. اما اگر همان عملیات را انجام می دهند، ولی نه اینکه کل مقومات را از او بگیرند. یک حالت میانه ای دارد. یعنی به نحوی همان حالت زن بودن یا مرد بودنش باقی است. ولی دو سه صفت جنس

مخالف را با تصرف ژنتیکی یا عملیه جراحیه در او ایجاد کرده اند. این در تشبه می آید. برای اینکه عرف می گوید این زن است منتهی اینطور شد. و در این جهات شباهتی به مرد پیدا کرد.

جمع بندی بحث:

پس حاصل این سخن این است که تغییر جنسیت اولاً از موضوع بحث ما و از موضوع روایات خارج است. و ثانیاً تغییر جنسیت آنجایی است که عرف بگوید که جنس اساساً عوض شد. اما اگر در بعضی از خصائص تغییر پیدا نکند. که اصل تحول جنسیت در او رخ نداده باشد. آنوقت در بحث تشبه وارد می شود. با توجه به اینها می خواهیم بگوییم تشبه اقسامی دارد. می خواهیم بگوییم راحت تر حل می شود. ولی دقیق تر نیست. می خواهیم بگوییم اگر کسی با جراحی کاری کرد که صورتش مو نداشته باشد. و صورتش مثل زن باشد. ولی آلات رجولیتش باقی بماند. این تشبه است. چیزی که فقها گفته اند در لباس و اینهاست. ما می خواهیم بگوییم تشبه شامل تغییرات هورمونی و پزشکی و ژنتیکی هم می شود. مادامی که به حد تغییر هویت جنسیت نرسد. پس ما نتیجه ای که تا اینجا می گیریم در این مقدمه بعدی این است که تغییر هویت به طور کامل و تغییر جنسیت به طور کامل که عمدتاً هم قوامش به آلات رجولیت و انوئیت و به عملیات جنسی است. آن نوع تغییری که عمدتاً به آن وابسته است. آن از بحث ما خارج است. که زن واقعاً مرد می شود. و مرد واقعاً زن می شود.

بحث تشبه:

تشبه عرض عریضی دارد.

انواع تشبه:

نوع اول: تشبه تکوینی

یک نوع تشبه که در کلمات فقها نیامده، تشبهی است که به صورت ژنتیکی یا با تصرفات علمی انجام می شود که بعضی از خصوصیات جنس مخالف را به او می دهد. این یک نوع تشبه است. چون جنسش عوض نشده، ولی بعضی از خصوصیات جنس مخالف را به او می دهد. به نحوی تصرف تکوینی در این شخص از طریق تزریق هورمون، عمل جراحی یا تغییرات ژنتیکی که امکانش هست. این یک نوع است که تشبه است. این تغییر جنسیت نیست. چون ذاتش کلاً عوض نشده است. الان هم می گویند مرد است. ولی ویژگیهای زنانه را به صورت ژنتیکی در خود ایجاد کرده است. این یک نوع تشبه است که تشبه تکوینی است.

نوع دوم: آرایش چهره و صورت

یک نوع تشبه هم تشبه در آرایش و آراستگی و تزیینات است. و از طرفین هم صادر می شود. آرایش چهره و صورت و امثال اینها است.

نوع سوم: تشبه در زیور آلات

یک نوع هم تشبه در زیور آلات است. که آن هم جزء تزیین است. ولی من جدا می کنم که واضح تر بشود. آن تشبه در چهره و منظر و آرایش های ظاهری منظر است. بعدی در زیور آلات و اینها است.

نوع چهارم: تشبه در لباس

در لباس و امثال اینها است. که متداول است.

نوع پنجم: تشبه در غیر لباس

در غیر لباس از متعلقات دیگری که به شخص ارتباط دارد. و تعلق به شخص دارد. مثل اینکه فرض بگیرید در عرف تصویر زن و مرد متفاوت باشد. یا مرکبش متفاوت باشد. مثلاً بعضی ماشینها می گویند زنانه است. در مرکب و سایر متعلقات است. که دوچرخه الان هم در خیلی جاها مختص به مردان است. این هم یک قسم است. که اینها همه چیزهای ظاهری است.

نوع ششم: تشبه جنسی

در چیزهای جنسی است. که مردی مورد مفعول قرار بگیرد. و یا زنی مساحقه بکند. یا با اشکال دیگری که در حقیقت فعالیت جنسی غیر متناسب با خودش که در شرع حرام است انجام بدهد.

نوع هفتم: تشبه در لحن کلام

این است که در لحن کلام و ادا و اطوار و حالات است. یعنی ممکن است کسی اصلاً لباس زن هم نپوشیده، ولی لحن و ادا و اطوار و اصولش حالت زنانگی دارد. و حالت زنانگی به خود می گیرد. گاهی افراد اینطوری هستند. گاهی به طور طبیعی بعضی زنهای صدایشان و ادا و اطوارشان مردانه است که در بعضی زنهای دیده اید. و بالعکس. و چیزی که طبیعی است بحثی نیست. اما یک نوع هم این است که کسی در صدا و لحن و عمل و رفتارش حالت زنانگی و زن حالت مردانگی پیدا بکند. این هم یک قسم است که می شد بگوییم صدا و لحن را یکی بگذاریم و ادا و اطوار را یکی دیگر بگذاریم. و می شد هم اینها را با هم گذاشت.